

تجدید ارزیابی دارایی‌ها؛ راهبرد یا تاکتیک

سعید جمشیدی فرد



این روزها بار دیگر بحث تجدید ارزیابی دارایی‌ها مورد استقبال برخی فعالان بازار سرمایه، ناظرین و مقررات‌گذاران قرار گرفته اما با این تفاوت که به جای انتخاب گزینشی دارایی‌هایی چون زمین و یا سرمایه‌گذاری‌ها، تمامی طبقات دارایی را دربرگیرد.

حال با تأکید بر ارزیابی تمامی طبقات عملاً سایر دارایی‌های استهلاک‌پذیر مشمول تجدید ارزیابی شده و سود و زیان نیز تحت تأثیر آن واقعی‌تر نشان داده می‌شود. بنابراین، سود شرکت‌های مایل به تجدید ارزیابی به میزان استهلاک اضافی ناشی از تجدید ارزیابی کاهش می‌یابد و در واقع سود ناشی از تورم از سود و زیان خارج و سود واقعی‌تری مبنای بررسی عملکرد مدیریت خواهد بود.

تصمیم‌گیری صحیح در محیط اقتصادی نیازمند اطلاعاتی است که بتواند واقعیت‌های موجود را نشان دهد. بنابراین اطلاعات باید شفاف، مربوط، معتبر و قابل مقایسه باشد. در

اقتصادهایی که تفاوت معناداری بین ارزش‌های جاری و تاریخی ناشی از کاهش قدرت خرید و تورم وجود دارد، این ایراد به صورت‌های مالی شرکت‌ها وارد است که دارایی‌های ثبت‌شده به بهای تمام‌شده‌ی تاریخی مربوط و شفاف تلقی نمی‌شود و در نتیجه مبنای مناسبی برای تصمیم‌گیری نخواهد بود. تجدید ارزیابی دارایی‌ها به ارزش منصفانه و جاری و اصلاح قیمت‌های تاریخی در دفاتر بر این اساس یکی از راه‌هایی است که می‌تواند نقص اشاره شده را رفع کند. بدین ترتیب طبق استانداردهای حسابداری به میزان مازاد شناسایی‌شده‌ی حاصل از تفاوت ارزش دفتری و ارزش منصفانه دارایی‌ها از یک سو مبلغ دارایی‌ها افزایش یافته و از سوی دیگر به حساب مازاد تجدید ارزیابی در سرفصل حقوق صاحبان سهام انعکاس می‌یابد و در نتیجه چنین اقدامی ترازنامه‌ی شرکت‌ها را با واقعیت‌های اقتصادی انطباق بیشتری می‌دهد.

با وجود مزیتی که از آرایه‌ی واقعی‌تر صورت‌های مالی به‌وجود می‌آید و صرف‌نظر از موضوعات چگونگی، تشریفات و مبنای ارزش‌یابی، باید به آثار و جنبه‌های منفی تجدید ارزیابی در دور جدید توجه ویژه کرد. در وضعیت اقتصادی ناپایدار فعلی و وجود زیان انباشته‌ی برخی شرکت‌های بزرگ و کوچک، پیش‌بینی می‌شود بعضی شرکت‌ها در مقایسه با عملکرد گذشته‌ی خود زیان ده شده و یا زیان انباشته‌شان افزایش یابد. این در حالی است که بسیاری از سهام‌داران تصمیم‌گیری در مورد خرید، نگهداری و یا فروش سهام گروهی از ناشران را به انگیزه‌ی سود هر سهم و سود نقدی دریافتی (DPS) اتخاذ می‌کنند و این اتفاق اثر نامطلوبی در نظر این گروه از سرمایه‌گذاران خواهد داشت.

باید توجه داشت که اصولاً تجدید ارزیابی در شرایط بی‌ثبات اقتصادی کمکی به بهبود فعالیت شرکت‌ها نمی‌کند مگر انتظار رود در زمانی نه

چندان بلندمدت امید به بهبود باشد و گزارش‌گیری مالی مبتنی بر آن مقدماتی برای ارایه‌ی اطلاعات شفاف‌تر جهت برنامه‌ریزی اقتصادی به‌کار آید. اما در میان نظرات علنی مثبت و منفی نگاه شاخص‌گرایانه و سنتی بازار به افزایش سرمایه‌ها در نظر موافقان جدی تجدید ارزیابی جایگاه ویژه‌ای دارد غافل از این‌که در مقایسه با گذشته تأثیر روانی تجدید ارزیابی بر ارزش سهام شرکت‌ها کم‌رنگ‌تر شده است.

همچنین در وضع مقررات و اعلام حکم به تجدید ارزیابی تمامی طبقات دارایی باید تأمل و احتیاط کرد زیرا برخی از سرفصل‌های دارایی خصوصاً دارایی‌های نامشهود به‌شدت تحت تأثیر قضاوت‌های فردی، مفروضات و پیش‌بینی‌های آتی که از نظر قابلیت اتکا با دارایی‌های مشهود متفاوت است و در صورتی که ضوابط اختصاصی در مورد ارزش‌یابی دارایی‌هایی نظیر برند، امتیازات مالی و قراردادی، دانش فنی و ... شرکت‌های دانش‌بنیان تعیین نشود، هدف از تجدید ارزیابی به انحراف خواهد رفت. در این خصوص هنوز در رعایت استاندارد حسابداری برای شناسایی این‌گونه دارایی‌ها و اندازه‌گیری ارزش آن، شرکت‌های مزبور با ابهام مواجه بوده و نحوه‌ی گزارش‌گیری یکسانی ندارند.

گفتنی است که پیرو تجدید ارزیابی سرفصل سرمایه‌گذاری‌ها در دور اول، تشویق و توجه بیشتر به ارزیابی مجدد سرمایه‌گذاری‌ها، اقدامی عملی در جهت تعیین ارزش منصفانه و توسعه‌ی شفافیت و واقعی‌تر شدن صورت‌های مالی است که طبعاً بازار سرمایه خصوصاً شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ‌ها از آن استقبال خواهند کرد.

نکته‌ی بسیار مهم و محرک تصمیم‌گیری این است که در صورت شمول تمامی دارایی‌ها به تجدید ارزیابی، اثر تورم از سود ابرازی خارج

و سود واقعی شناسایی و مبنای تصمیم‌گیری و ارزیابی عملکرد مدیریت خواهد شد. در این صورت همان‌گونه که مقررات و سیاست‌گذار انگیزه‌ی طرح مجدد را با کلیدواژه‌ی گزارش‌گیری مفید و به‌روز عنوان می‌کند باید در خصوص سود غیر واقعی ناشی از تورم واکنش اصلاحی نشان داده و عدم شمول مالیات را محدود به مازاد ناشی از تجدید ارزیابی که برخلاف استاندارد حسابداری به موجب قانون به سرمایه منتقل می‌شود ننموده، درآمد ناشی از تورم را از شمول مالیات خارج کرده و مالیات عملکرد صرفاً به مأخذ سود واقعی گزارش‌شده تعیین گردد. در صورت پذیرش مشوق مالیاتی مزبور، می‌توان شرط صرف منابع ناشی از عدم تقسیم سود جهت سرمایه‌گذاری در امر بازسازی یا ایجاد خطوط جدید تولید را در نظر گرفت. در مورد شرکت‌های دارای زیان انباشته و مشمول ماده‌ی ۱۴۱ قانون تجارت نیز می‌توان پیشنهاد مقررات‌گذاری برای گزینه‌ی تسویه‌ی مازاد تجدید ارزیابی با زیان انباشته را در نظر گرفت؛ چنین اقدامی در قوانین سابقه دارد.

از نظر اجرایی هزینه‌های تجدید ارزیابی شامل کارشناسی، مالیات حق تمبر افزایش سرمایه، هماهنگی و مدیریت فرایند نیز برای برخی از شرکت‌های متقاضی یا مستعد، مهم به‌نظر می‌رسد. توجه به این امر در جهت تقلیل هزینه خصوصاً کارشناسی هیأتی بعضی از صلاحیت‌های ارزیابی می‌تواند مؤثر باشد. علاوه بر این موضوع دوره‌ی تناوب ۳ یا ۵ سال و نظریه‌ی سازمان حسابرسی به کوتاه‌تر شدن چرخه‌ی زمانی تجدید ارزیابی در وضع موجود به دلیل تفاوت با اهمیت ارزش منصفانه با ارزش دفتری و ارزیابی قبلی و وجود تورم شدید هزینه‌ی دیگری است که مدیران در کفه‌ی هزینه و فایده مد نظر می‌دهند.

موضوع تناوب تجدید ارزیابی نیز خود از جمله ابهامات و متغیرهای تصمیم‌گیری مدیران و سهام‌داران عمده است که با نگاه استانداردگذار به ضرورت رعایت ضابطه‌ی تناوب فوق‌الذکر در تجدید ارزیابی در مقابل دو حکم مصرح ماده ۱۴ قانون موسوم به حداکثر استفاده از توان تولیدی مبنی بر عدم شمول مالیات بردرآمد و حذف مشوق مزبور در صورت تجدید ارزیابی پیش از ۵ سال آنان را دچار سردرگمی نموده است. در حالی که به اعتبار یک ماده‌ی قانونی (ماده ۱۴) دو حکم مصوب شده و نگاه انتزاعی به موضوع از سوی استانداردگذار محل بحث و تردید است. این در حالی‌ست که آیین‌نامه‌ی اجرایی تبصره ۱ ماده ۱۴۹ قانون مالیات‌های مستقیم نیز در انطباق با احکام ماده ۱۴ قانون فوق‌الاشاره اصلاح و عملاً تجویز تناوب به کم‌تر از ۵ سال را از سرفه خارج نمود؛ همان دلیلی که با وجود ضوابط استاندارد برای تجدید ارزیابی دارایی‌ها، قبل از تصویب و الحاق تبصره ۱ ماده ۱۴۹ قانون مالیات‌های مستقیم مانع این فرایند بود. بنابراین، تجدیدنظر و هماهنگ‌سازی قوانین و مقررات با استانداردهای حسابداری در این خصوص امری ضروری‌تر از وضع ضوابط انتزاعی است.

حال با توجه به مختصر اشاره شده، به‌منظور استقبال از طرح دور جدید تجدید ارزیابی دارایی‌ها باید مشوق و انگیزه‌های قوی‌تری از جمله عدم شمول مالیات نسبت به سود تورمی، در نظر گرفتن ضوابطی برای شرکت‌های زیان‌ده و برخوردار از دارایی‌های نامشهود و رفع ابهام از موضوع تناوب تجدید ارزیابی فراهم گردد تا در شرایطی که تحلیل‌ها و شاخص‌های تصمیم‌گیری در بازار سرمایه از جنبه‌های کارشناسی و حرفه‌ای فاصله گرفته، ناشران بازار سرمایه را به انجام تجدید ارزیابی تمامی طبقات دارایی‌ها ترغیب نماید.